

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های کنارآمدن در هنرمندان و افراد عادی

Status of racial patterns in the collective subconscious mind

Fatemeh Ebrahimi

Master of Science in Tehran
University
FATEME.EBRAHIMI@UT.AC.IR

Behnaz Ertezaei

Master of Science in Tehran
University

Dr Nahid akrami

Faculty Member of Isfahan
University

فاطمه ابراهیمی

کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

بهناز ertezaei

کارشناسی ارشد

دکتر ناهید اکرامی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

Abstract

The aim of this study was to compare five-factor model of personality and coping style in artists whom work in the fields of poetry, music, theater and painting with ordinary people. For sampling, groups of artists from artists working in the city's Museum of Contemporary Art, Cultural Center of the Sun and the members of poetry and literature were selected.

For ordinary people the simple random sampling was used. Two questionnaires were used to collect information. Which contains short form of NEO personality questionnaire (60 questions) and Lazarus' coping styles questionnaire. Results showed that among

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه پنج عامل بزرگ شخصیت و شیوه‌های کنار آمدن لازاروس در هنرمندان رشته‌های شعر، موسیقی، تئاتر و نقاشی با افراد عادی می‌باشد. برای انجام نمونه‌گیری گروه هنرمند از هنرمندان مشغول به فعالیت در موزه هنرهای معاصر شهر، فرهنگسرای خورشید و اعضای انجمن‌های شعر و ادب اصفهان به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای افراد غیرهنرمند نیز از روش تصادفی ساده استفاده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو پرسشنامه‌ی ویژگی‌های شخصیتی نئو فرم کوتاه ۶۰ سوال و پرسشنامه شیوه‌های کنارآمدن لازاروس

personality traits, openness to experience, agreeableness and among coping styles, self-control and problem solving tough on artists and ordinary people is different. According to the scores on these variables, in all these variables, artists scores are higher than normal.

Keywords: art, artist, personality traits, coping styles

دریافت: فروردین ۹۵ پذیرش: آبان ۹۵

استفاده شد. در بین ویژگی‌های شخصیتی، بازبودن به تجربه و توافق‌پذیری و در بین سبک‌های کنارآمدن، خویشنداری و حل‌مدبرانه مسئله در افراد هنرمند و عادی تفاوت دارد. با توجه به میانگین نمرات در این متغیرها، در تمامی این متغیرها، هنرمندان میانگین بالاتری از افراد عادی داشته‌اند.

کلید واژه‌ها: هنر، هنرمند، صفات شخصیت، سبک‌های مقابله

مقدمه:

پیوند هنر با روان‌شناسی و تمایل روان‌شناسان به شناخت شخصیت هنرمندان تمایلی ریشه دار است. گذشته از این که هنر شامل خلاقیت است، طیف گسترده‌ای از مسائل روانی اعم از شخصیتی، شناختی، خانوادگی و اجتماعی را شامل می‌شود و از بین حوزه‌های روان‌شناسی به نظر می‌رسد روان‌شناسی گشتالت اولین شاخه‌ی روان‌شناسی بوده است که توجه جدی به هنر داشته است (لینداور^۱، ۲۰۱۱) و در بحث پیرامون هنرمندان نخستین مساله‌ای که مطرح می‌شود تعریف هنرمند است. لینا و لنا^۲ و لیندامن^۳ (۲۰۱۴) در جریان یک تحقیق زمینه‌یابی وسیع در تعریف هنرمند می‌گویند:

«لفظ هنرمند برای کسی استفاده می‌شود که کار هنری را به صورتی انجام دهد که اشیا و افکار هنری او هم توسط خود او و هم توسط دیگران دیده شود.»

دید جامعه نسبت به هنرمندان، گروهی خاص با سبک فردی خاص می‌باشد. پژوهش‌های علمی می‌تواند نشان دهد که آیا باید بر این رویکرد صحنه گذاشت و یا

¹ Lindauer

² Lena

³ Lindemann

این که این رویکرد ناشی از برداشت های شخصی و یا تصمیم های نابجای شواهد موردی است. مطالعات بیوگرافی شاعران و نویسندگان بزرگ در ۲۵۰ سال گذشته حاکی از آن است که حدود ۳۵۵ نفر از این هنرمندان به بیماری های روانی شدید مبتلا بوده اند. ۴۲ درصد آن ها از افسردگی، ۱۲٫۵ درصد از وابستگی به الکل و ۳۵ درصد هم از اختلالات شخصیت رنج می بردند (راولینگ^۱ و لوکارینی^۲، ۲۰۰۸).

در مطالعات بیوگرافی کارلسون^۳ (۱۹۷۰) در بین نقاشان برجسته درصد بیش تری از روان پریشی (۳۵ درصد) نسبت به مردم عادی (۲ درصد) وجود داشته است. هم چنین گزارش شده است که اختلالات خلقی ده برابر و رفتارهای خودکشی سه برابر در گروهی از نقاشان انتزاعی نسبت به جمعیت عادی بوده است (مورفی^۴، ۲۰۰۶). هم چنین گروهی اعتقاد دارند که اضطراب و ترس هسته ی کار هنرمندان است. اضطراب شرط لازم برای نوآوری وافرینش هنری است و چنانچه وجود نداشته باشد، هنرمند نمی تواند دیدگاه ها و تخیلات خلاق هنری را در برابر آن خلق کند. اگر فرار از واقعیت جهان خارجی وجود نداشته باشد نمی توان خلاقیت و رشد هنری را انتظار داشت (زارعی^۵، میراحمدی^۶، سلطانیان^۷، ۲۰۱۱).

تحقیقات علمی اخیر از این دیدگاه قدیمی که خلاقیت به آسیب شناسی روانی مربوط است در نتیجه ی تحقیق روانشناسان صفت و به کارگرفتن تست های شخصیت برای ارزیابی پیش زمینه های آسیب شناسی روانی در جمعیت عمومی حمایت می کند)

1 Rawling

2 locarini

3 Karlsson

4 Murphy

5 Zarei

6 Mirahmady

7 Soltaniam

مثل بهروزی^۱، آریامنش^۲، فداییان^۳ و بهروزی^۴، سالکاووسکی^۵، رومی^۶ ولوییز^۷ (۲۰۱۵). تعداد زیادی از تحقیقات از مقیاس روان پریشی پرسشنامه ی آیزنک استفاده کرده اند، که نشان می دهد افراد خلاق در این مقیاس نمره ی بالایی می آورند (راولینگ ولوکارینی، ۲۰۰۸). کسیکزفتمیهالی^۸ و جتزل^۹ (۱۹۳۷) دریافتند دانشجویان هنر بیش حساس، جدی، درونگرا، مخاطره جو و افراطی در رفتار و بینش هستند. هنرمندان بصری زن به نظر می رسد مقتدرتر از سایر زنان دانشگاه و هنرمندان مرد حساس تر از سایر مردان دانشگاه هستند. در مقایسه با دانشجویان هنرهای تجسمی و نمایشی دانشجویان هنرهای ظریف کم تر اجتماعی و متعارف بودند و بیش تر حساس و اهل خیال پردازی بودند.

برچ^{۱۰}، پاولز^{۱۱}، همسلی^{۱۲} و کر^{۱۳} (۲۰۰۶) با استفاده از پرسشنامه ی سبک زندگی و نئو برای مقایسه ی دانشجویان هنرهای تجسمی و دانشجویان غیرهنری دانشگاه گلامیس لندن، دریافتند دانشجویان هنرمند نمره های بالاتر، مثبت تر و ناهماهنگ تری در اسکیزوتاییبی و شخصیت ضداجتماعی و همچنین روان رنجورخویی، گشودگی و تفکر واگرا و نمرات پایین تری در توافق پذیری می گیرند.

1 Behroozi

2 Aryamanesh

3 Fadaiyan

4 Behroozi

5 Salkovsky

6 Romi

7 Lewis

8 Csikszentmihalyi

9 Getzels

10 Burch

11 Pavelis

12 Hemsley

13 Corr

در برخی از مطالعات از مدل پنج عاملی شخصیت استفاده شده است که نشان داده شده است که افراد خلاق و بیماران دوقطبی در سطوح بالای صفات شخصیتی نوروتیسم و گشادگی به تجربیات سهیمند (نتل^۱، ۲۰۰۵).

گفته شد که هنرمندان نسبت به سایر افراد در ویژگی گشودگی به تجربه نمرات بالاتری می گیرند. گشودگی نسبت به تجربه و تفکر شهودی دو ویژگی خلاقیت هستند و در هردو دسته ی بیماران تشخیص داده شده با اختلال دوقطبی و مردم درگیر در مهارت های خلاق گزارش شده است که نمره های بالایی در باز بودن نسبت به تجربه در پرسشنامه ی نئو و تفکر شهودی اندازه گیری شده به وسیله ی پرسشنامه ی مایرز بریگز بر اساس تیپ های شخصیتی یونگ نسبت به گروه مقایسه گرفتند (الوارز^۲ و میرنا^۳، ۲۰۱۴).

در پژوهش هایی که در خصوص ویژگی های شخصیتی هنرمندان انجام شده است تفاوت آن ها با افراد غیرهنرمند به ویژه در ویژگی هایی نظیر گشودگی نسبت به تجربه، روان رنجورخویی، توافق پذیری، خیال پردازی، حساس بودن و غیره مشاهده شده است. از سوی دیگر خط پژوهشی دیگری نشان داده است که بین ابعاد و ویژگی های شخصیتی و سبک های مقابله با استرس رابطه وجود دارد. برای مثال کریم زاده^۴ و بشارت^۵ (۲۰۱۱) نشان دادند بین ابعاد شخصیتی نئو و سبک های مقابله رابطه وجود دارد. نتایج نشان داده اند که نوروتیسم با راهبردهای هیجان محور مثبت همبستگی منفی و با راهبرد های هیجان محور منفی همبستگی مثبت دارد. هم چنین برونگرایی با راهبردهای مساله محور و راهبردهای هیجان محور مثبت رابطه ی مستقیم دارد. باز بودن نسبت به تجربه هم به شدت با راهبردهای مساله محور و راهبردهای هیجانی مثبت همبستگی داشت. وجدان

1 Nettele

2 Alvarez

3 Mearna

4 Karimzade

5 Besharat

گرایی و توافق‌پذیری بالا هم با راهبردهای مساله‌محور رابطه‌ی مثبت و با راهبردهای هیجانی منفی رابطه‌ی معکوس داشت.

از زوایایی دیگر هم می‌توان به این خط پژوهشی رسید. این که بین ابعادی از هوش و خلاقیت هنرمندان رابطه وجود دارد و بین همان ابعاد از هوش و سبک‌های مقابله‌ای کارآمد هم رابطه وجود دارد؛ و یا این که شیوع بیماری‌های روانی در هنرمندان بیشتر است و شیوع بیماری‌های روانی با سبک‌های مقابله‌ای نا کارآمد در رابطه است؛ هم چنین پژوهش‌ها رابطه‌ی بین ابعادی از هوش و خلاقیت را تایید کردند؛ برای مثال هان^۱ و لی^۲ (۲۰۱۱) بیان کرده‌اند که بین هوش هیجانی و خلاقیت رابطه وجود دارد. از سوی دیگر پژوهش‌ها نشان داده است که بین هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای مساله‌محور و هیجان‌محور مثبت رابطه‌ی مثبت وجود دارد (نوربخش^۳، بشارت^۴ و زارعی^۵، ۲۰۱۰).

با توجه به پژوهش‌های انجام شده هدف این پژوهش بررسی تفاوت افراد هنرمند و عادی در ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های مقابله‌ای استرس می‌باشد.

روش

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

هدف پژوهش حاضر مقایسه پنج عامل بزرگ شخصیت و شیوه‌های کنار آمدن لازاروس در هنرمندان رشته‌های شعر، موسیقی، تئاتر و نقاشی و افراد عادی می‌باشد. برای انجام نمونه‌گیری گروه هنرمند از هنرمندان مشغول به فعالیت در موزه هنرهای معاصر شهر اصفهان و تعدادی از تئاتر کاران فرهنگسرای خورشید و اعضای انجمن

¹ Hahn

² lee

³ Noorbakhsh

⁴ Besharat

⁵ Zarei

شعر و ادب دانشگاه اصفهان ۱۰۰ نفر به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند که برخی از پرسشنامه ها به دلیل نقص در پاسخ گویی کنار نهاده شد و نهایتاً ۹۰ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفت.

برای افراد غیر هنرمند نیز از روش تصادفی ساده استفاده شد که به طور تصادفی از مناطق مختلف شهر اصفهان ۱۰۰ نفر انتخاب شد که با کنار نهادن پرسشنامه های غیر معتبر و ناقص ۸۹ پرسشنامه تحلیل شد. از نظر متغیرهای جمعیت شناختی در گروه هنرمند، ۷۵/۶ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ سال، ۱۴/۴ بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۶/۷ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ سال و ۱/۱ درصد بالاتر از ۴۵ سال بودند؛ در حالی که در گروه عادی، ۶۹ درصد بین ۱۵ تا ۲۵ سال، ۱۶/۱ درصد بین ۲۵ تا ۳۵ سال، ۹/۲ درصد بین ۳۵ تا ۴۵ سال و ۵/۷ درصد بالاتر از ۴۵ سال بودند. از نظر تحصیلات در گروه هنرمندان، ۳۲/۲ درصد دیپلم یا پایین تر، ۸/۹ درصد کاردانی، ۵۱/۱ درصد کارشناسی و ۷/۸ درصد کارشناسی ارشد یا بالاتر بودند و در گروه عادی، ۴۵/۵ درصد دیپلم یا پایین تر، ۶/۸ درصد کاردانی، ۴۴/۳ درصد کارشناسی و ۳/۴ درصد کارشناسی ارشد یا بالاتر بودند. در گروه هنرمندان ۷۷/۸ درصد نمونه مونث و در گروه عادی ۶۴/۸ درصد مونث بودند. در میان افراد هنرمند ۱۶٫۸ درصد افراد از ۲ تا ۴ سال سابقه فعالیت هنری داشتند. ۲۱٫۸ درصد افراد از ۵ تا ۱۰ سال سابقه فعالیت هنری و ۲٫۲ درصد افراد از ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه فعالیت هنری و ۲٫۸ درصد افراد بالای ۱۵ سال سابقه فعالیت هنری داشتند. در میان افراد شرکت کننده ۱۷٫۹ درصد افراد (معادل ۳۹ نفر) هنرمند رشته شعر، ۸٫۴ درصد افراد (معادل ۱۵ نفر) هنرمند رشته موسیقی و ۱٫۱ درصد افراد (معادل ۲ نفر) هنرمند رشته تئاتر و بازیگری و ۲۰٫۱ درصد افراد (معادل ۳۶ نفر) هنرمند رشته نقاشی بودند و دو نفر نیز زمینه هنری خود را مشخص نکرده بودند.

ابزار پژوهش:

برای جمع آوری اطلاعات ازدو پرسشنامه: ویژگی‌های شخصیتی نئو^۱ فرم کوتاه ۶۰ سوال و پرسشنامه شیوه‌های کنارآمدن لازاروس^۲ استفاده شد. نسخه‌ی تجدید نظر شده‌ی پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو، نوعی خودسنجی ویژگی‌های شخصیتی است که مبتنی بر یک مدل معروف شخصیتی به نام مدل پنج عاملی است. مدل پنج عاملی بیش از چهار دهه سابقه‌ی تحول داشته است و محصول سنت واژگان (تحلیل صفات موجود در زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها) و سنت تحلیل عاملی در تحقیقات شخصیت است. طبق نسخه‌ی تجدید نظر شده در پرسشنامه‌ی شخصیت نئو، پنج عامل یا حیطه‌ی مزبور عبارتند از روان رنجور خویی، برون‌گرایی، گشودگی نسبت به تجربه [انعطاف‌پذیری نسبت به تجربه]، توافق‌پذیری [دلپذیری]، و جدانیت (با وجدان بودن). پاسخ‌گویان هر جمله را بر مبنای یک مقیاس پنج قسمتی (به شدت مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم، به شدت موافقم) درجه بندی می‌کنند. فرم تجدید نظر شده‌ی پرسشنامه‌ی شخصیتی نئو است NEO-۳FFI پرسشنامه‌ی پنج عاملی و مناسب افرادی است که ۱۷ سال یا بیشتر دارند. افرادی که مبتلا به اختلالاتی چون حالات روان‌پریشی و زوال عقل بوده و این حالات توانایی آنها را برای تکمیل فرم گزارش شخصی به طور مؤثر تحت تأثیر قرار می‌دهد، نباید این تست‌ها را تکمیل نمایند.

عواملی که در این تست مطرح شده است توسط ترکیب منطقی و بررسی‌های تحلیل عاملی فراهم شده و موضوع تحقیقات گوناگون در ۱۵ سال گذشته بر روی نمونه‌های بالینی و بزرگسالان سالم بوده است. از این رو سودمندی آن هم در جریانات بالینی و هم در جریانات تحقیقی ارزیابی شده است. این تست فرمی به نام NEO-FFI دارد که یک پرسشنامه‌ی ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت به کار می‌

¹NEO-FIVE factor inventory

² Coping strategies inventory

رود. اگر وقت اجرای تست خیلی محدود بوده و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد، این تست مورد استفاده قرار می گیرد. در پژوهشی در خارج از کشور توسط مک کری و کوستا به ترتیب ضرایب بازآزمایی ۰.۸۳ ، ۰.۷۵ ، ۰.۸۰ ، ۰.۷۹ ، ۰.۷۹ برای پنج عامل نئو گزارش شده است. در تحقیق دیگری توسط کوک بر روی ۱۷ زوج، آلفای کرونباخ فرم کوتاه از ۸۵ درصد تا ۹۲ درصد اعلام گردیده است. نتایج بررسی پایایی فرم کوتاه نئو در پژوهش داخلی درج شده است.

هم چنین کوستا و مک کری همبستگی فرم کوتاه نئو را با فرم بلند آن در یک نمونه ۴۹۲ نفری از افراد بزرگسال مورد مطالعه قرار داده اند. ضرایب همبستگی حاصل از این پژوهش برای پنج عامل به ترتیب عبارتند از: ۰.۸۳ ، ۰.۸۳ ، ۰.۹۱ ، ۰.۷۶ ، ۰.۸۶ .

کیامهر^۱ نیز در سال ۱۳۸۱ از همبسته کردن دو فرم کوتاه و بلند نئو در یک پژوهش بر روی دانشجویان علوم انسانی در دانشگاه تهران به ترتیب به ضرایب ۰.۷۵ ، ۰.۹۱ ، ۰.۷۱ ، ۰.۷۸ ، ۰.۷۵ دست یافت. (کیامهر^۲، ۱۳۸۱). «پرسشنامه ی روشهای کنار آمدن» افکار و اعمالی را که افراد برای کنار آمدن با وقایع فشارزای زندگی روزمره به کار می برند، ارزیابی می کند. این پرسشنامه از یک نظریه ی شناختی - پدیدارشناختی در مورد فشار روانی و کنار آمدن با آن، مشتق شده است.

مواد «پرسشنامه ی روشهای کنار آمدن» با استفاده از روش تحلیل عامل، آماده شدند. سه تحلیل عامل، الگوهای عاملی مشابهی را به دست دادند. در هر سه تحلیل، ۳۷ ماده ی اشباع با ثبات بالایی وجود داشتند و ۲۲ ماده در همان عامل کاملاً با ثبات بودند و ۹ ماده نیز حذف شدند. از آنجایی که چند تحلیل عاملی انجام شده بود، برآوردهای متعددی از اشباع عاملی هر ماده به دست آمد. بنابراین، نهایتاً تحلیل عاملی اصلی بر روی ۷۵۰ مشاهده با ۵۰ ماده نهایی برای رسیدن به تخمینی از اشباع عاملی هر

¹ kiamehr

² Saatchi

ماده، انجام شد. این تحلیل‌ها ۸ عامل را مشخص ساختند که ۸ مقیاس توصیف شده از آن در زیر معرفی شده است (ساعت چی^۱ و همکاران، ۱۳۹۱)

مواد «پرسشنامه ی روشهای کنار آمدن» دارای روایی صوری است چرا که راهبردهای توصیف شده همان مواردی هستند که افراد استفاده از آنها را برای کنار آمدن با موقعیتهای فشارزا گزارش کرده اند. در ترجمه های گوناگون روایی صوری موارد این ابزار از نظر تعیین میزان مشابهت معنایی موارد در میان ملیتها نیاز به بررسی دارد. این پرسشنامه به زبانهای المانی، عبری، اسپانیایی، هلندی و فرانسه ترجمه شده است. شواهد اعتبار سازه با پیش بینی های نظری هماهنگ هستند. یعنی با ۱) کنار آمدن شامل هر دو راهبرد مشکل مدار و هیجان مدار است، ۲) کنار آمدن یک فرایند است؛ یعنی چگونگی کنار آمدن مردم در رابطه با خواستها و فشارها به هنگام ظهور یک واقعه، متفاوت است.

ثبات یا تغییر پذیری اشکال گوناگون کنار آمدن در موقعیتهای مختلف متفاند. یک ارزیابی از ثبات که می تواند برای آزمون این تفاوتها به کار برده شود میانگین خود همبستگی است. خود همبستگی، همبستگی بین هر جفت متوالی از نمرات را در هر مقیاس کنار آمدن نشان می دهد. برای مثال نمره ی کنار آمدن رویارویانه در واقعه ی اول با همان نمره در واقعه ی دوم همبسته است نمره ی کنار آمدن در واقعه ی دوم با همان نمره در واقعه ی سوم همبستگی دارد با استفاده از این روش میانگین خودهمبستگی هریک از یک مقیاسها ی کنار آمدن در پنج واقعه ی فشارزا در مطالعه د زوجهای متأهل محاسبه شد و دامنه ی ۰٫۴۱ تا ۰٫۷۱ برای آنها به دست آمد.

از آنجا که پرسشنامه ی روشهای کنار آمدن فرایندهای کنار آمدن را اندازه گیری می کند که طبق تعریف متغیرند ارزیابیهای رایج آزمون و آزمون مجدد برای پایایی نامناسب هستند. با این حال می توان از طریق آزمایش ثبات درونی اندازه های کنار آمدن که به

وسیله ی ضریب الفای کرونباخ به دست می آید اعتبار را ارزیابی کرد(ساعتچی و همکاران، ۱۳۹۱).

شیوه ی اجرا و روش آماری

هریک از آزمودنی ها در گروه آزمایش و نمونه ابتدا به پرسشنامه ی نئو و سپس به پرسشنامه ی سبک های مقابله پاسخ می دادند پس از محاسبه ی شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی از آزمون برای هر یک از پرسشنامه ها به منظور تشخیص وجود تفاوت بین گروه ها استفاده شد.

یافته ها

آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش به تفکیک دو گروه هنرمند و عادی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیر | آماره گروه | پراکندگی | انحراف معیار | کمینه | بیشینه | پولگی | کشیگی | رواننجوری | | برونگرایی | دینامیک های شخصیتی |
|-------|------------|----------|--------------|-------|--------|--------|-------|-----------|------|-----------|--------------------|
| | | | | | | | | هنرمند | عادی | | |
| | ۳۳/۶۵ | ۷/۴ | ۱۷ | ۵۱ | ۰/۰۱۴ | -۰/۰۹۶ | | هنرمند | عادی | | |
| | ۳۴/۹۸ | ۷/۲۷ | ۱۷ | ۵۲ | -۰/۱۹۴ | ۰/۴۵۱ | | هنرمند | عادی | | |
| | ۴۱/۵۹ | ۸/۰۷ | ۲۴ | ۸۱ | ۰/۹۰۶ | ۵/۴۸۵ | | هنرمند | عادی | | |
| | ۴۰/۳۷ | ۵/۳۷ | ۲۷ | ۵۳ | -۰/۳۲۱ | ۰/۰۶۲ | | هنرمند | عادی | | |

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های کنارآمدن در هنرمندان و افراد عادی

| | | | | | | | |
|--------|--------|----|----|------|-------|---------|---------------------|
| ۰/۸۰۷ | ۰/۱۱۴ | ۵۲ | ۲۶ | ۴/۵۷ | ۴۱/۱۱ | سبک‌های | بازبودن به تجربه |
| ۰/۲۵۶ | -۰/۵۱۹ | ۴۶ | ۲۴ | ۴/۵۷ | ۳۷/۲۷ | سبک‌های | توافق‌پذیری |
| ۱/۰۶۴ | ۰/۲۴۹ | ۵۹ | ۲۴ | ۶/۳۲ | ۴۲/۰۲ | سبک‌های | وجدان کاری |
| ۰/۳۷۷ | ۰/۱۰۱ | ۵۸ | ۲۳ | ۶/۶۲ | ۳۹/۶۷ | سبک‌های | کنارآمدن رویارویانه |
| ۴/۶۱۹ | ۰/۸۵ | ۸۴ | ۲۵ | ۸/۲۸ | ۴۵/۲ | سبک‌های | دوری جوی |
| -۰/۰۹۱ | -۰/۰۷۲ | ۵۸ | ۲۷ | ۶/۴۳ | ۴۳/۱۷ | سبک‌های | خوابشنداری |
| ۰/۹۳۶ | ۰/۶۱۶ | ۱۷ | ۱ | ۲/۹۵ | ۶/۹۵ | سبک‌های | |
| ۵۰/۵۶ | ۱/۱۲ | ۲۳ | ۰ | ۳/۲۷ | ۷/۶۶ | سبک‌های | |
| ۰/۰۷۶ | ۰/۲۲۷ | ۱۶ | ۰ | ۳/۱۱ | ۷/۰۲ | سبک‌های | |
| -۰/۷۲۴ | ۰/۱۶۶ | ۱۵ | ۱ | ۳/۴۴ | ۷/۶۸ | عادی | |
| ۰/۳۲۶ | -۰/۲۶۶ | ۱۹ | ۱ | ۳/۳۷ | ۱۰/۹۳ | هنرمند | |
| ۰/۲۵۱ | -۰/۱۳۲ | ۱۷ | ۲ | ۳/۱۷ | ۹/۶۵ | عادی | |

سبک‌های کنارآمدن

| | | | | | | | |
|-------|------|---|----|--------|--------|--------|----------------------|
| ۸/۲۶ | ۵/۰۳ | ۰ | ۲۸ | ۰/۸ | ۱/۶۱۳ | هنرمند | جستجوی حمایت اجتماعی |
| ۸/۱۷ | ۳/۳۸ | ۱ | ۱۶ | ۰/۲۵ | -۰/۰۷۱ | عادی | |
| ۵/۴۱ | ۲/۵۲ | ۰ | ۱۱ | -۰/۰۴۷ | -۰/۱۳۷ | هنرمند | مسئولیت پذیری |
| ۵/۲۳ | ۲/۶۶ | ۰ | ۱۲ | -۰/۰۰۴ | -۰/۲۸۸ | عادی | |
| ۸/۲ | ۴/۰۳ | ۱ | ۲۴ | ۰/۶۹۱ | ۱/۴۱۹ | هنرمند | گریز-اجتناب |
| ۸/۶۱ | ۴/۰۴ | ۱ | ۱۹ | ۰/۵۶۱ | ۰/۰۳۱ | عادی | |
| ۸/۱۸ | ۲/۷۴ | ۱ | ۱۵ | ۰/۱۲۲ | ۰/۵۰۲ | هنرمند | حل مدیرانه مسئله |
| ۷/۱۳ | ۳/۲۷ | ۰ | ۱۶ | -۰/۰۰۹ | ۰/۱۰۹ | عادی | |
| ۱۲/۰۷ | ۴/۰۵ | ۰ | ۲۱ | -۰/۱۵۷ | ۰/۳۹۷ | هنرمند | ارزیابی مجدد مثبت |
| ۱۱/۳۸ | ۳/۶۳ | ۰ | ۲۰ | -۰/۲۲۷ | ۰/۶۰۳ | عادی | |

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که در افراد هنرمند، از بین ویژگی‌های شخصیتی، وجدان کاری و توافق‌پذیری بیشترین میانگین را داشته‌اند و در افراد غیرهنرمند، وجدان کاری و برون‌گرایی بیشترین میانگین را داشته‌اند. در مورد روش‌های کنارآمدن در هر دو گروه افراد هنرمند و عادی، بیشترین میانگین مربوط به ارزیابی مجدد مثبت و خویشتن-داری بوده است.

به منظور سنجش تفاوت بین دو گروه هنرمند و غیرهنرمند در ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای کنارآمدن از آزمون t دو نمونه مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. ویژگی‌های شخصیتی و راهبردهای کنارآمدن

| sig | df | t | آزمون همسانی واریانس- | | متغیر | |
|-------|-----|--------|-----------------------|-------|----------------------|------------------|
| | | | های لوین | | | |
| | | | sig | F | | |
| ۰/۲۳ | ۱۷۷ | -۱/۲۰۶ | ۰/۷۷۲ | ۰/۰۸۴ | روان‌رنجوری | ویژگی‌های شخصیتی |
| ۰/۲۳۶ | ۱۷۷ | ۱/۱۸۸ | ۰/۱۳۷ | ۴/۴۱۱ | برون‌گرایی | |
| ۰/۰۰۰ | ۱۷۷ | ۵/۶۱۳ | ۰/۹۸۸ | ۰/۰۰۰ | بازبودن به تجربه | |
| ۰/۰۱۶ | ۱۷۷ | ۲/۴۳ | ۰/۴۲۷ | ۰/۶۳۴ | توافق‌پذیری | |
| ۰/۰۶۹ | ۱۷۷ | ۱/۸۳۲ | ۰/۲۰۵ | ۱/۶۱۸ | وجدان کاری | |
| ۰/۱۳۲ | ۱۷۷ | -۱/۵۱۵ | ۰/۸ | ۰/۰۶۴ | کنارآمدن رویارویانه | سبک‌های کنارآمدن |
| ۰/۱۸ | ۱۷۷ | -۱/۳۴۶ | ۰/۱۶ | ۱/۹۹۵ | دوری‌جویی | |
| ۰/۰۰۹ | ۱۷۷ | ۲/۶۲۸ | ۰/۳۷۷ | ۰/۷۸۶ | خویشتنداری | |
| ۰/۸۸ | ۱۷۷ | ۰/۱۵۱ | ۰/۱۰۵ | ۸/۲۵۲ | جستجوی حمایت اجتماعی | |
| ۰/۶۴۲ | ۱۷۷ | ۰/۴۶۵ | ۰/۸۲ | ۰/۰۵۲ | مسوولیت‌پذیری | |
| ۰/۴۸۹ | ۱۷۷ | -۰/۶۹۳ | ۰/۸۳۵ | ۰/۰۴۳ | گریز-اجتناب | |
| ۰/۰۲۲ | ۱۷۷ | ۲/۳۱۸ | ۰/۱۵۸ | ۲/۰۱۵ | حل‌مدیرانه مسئله | |
| ۰/۲۳۵ | ۱۷۷ | ۱/۱۹۲ | ۰/۳۵۳ | ۰/۸۶۷ | ارزیابی مجدد مثبت | |

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که پیش‌فرض همسانی واریانس‌ها در دو گروه در مورد همه‌ی متغیرها رعایت شده است. همچنین نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که در بین ویژگی‌های شخصیتی، بازبودن به تجربه و توافق‌پذیری و در بین سبک‌های کنارآمدن، خویشنداری و حل‌مدبرانه مسئله در افراد هنرمند و عادی تفاوت دارد. با توجه به میانگین نمرات در این متغیرها، در تمامی این متغیرها، هنرمندان میانگین بالاتری از افراد عادی داشته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر یک طرح علی‌مقایسه‌ای است در تحقیق حاضر به بررسی ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های کنارآمدن افراد عادی در مقایسه با هنرمندان پرداختیم. در نتیجه تحقیق می‌توان گفت که در سطح ۰,۰۵ بین توافق‌پذیری و گشودگی نسبت به تجربه در پرسشنامه شخصیتی نئو، و خویشنداری و حل‌مساله‌مدبرانه در پرسشنامه شیوه‌های کنارآمدن لازاروس بین دو گروه تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

این نتیجه همسو با شواهدی است که بیان می‌داشت بین صفات شخصیتی گشودگی نسبت به تجربه و توافق‌پذیری و سبک‌های مقابله‌ای سازگارانه مانند مساله‌محور یا هیجان‌محور مثبت رابطه وجود دارد (نوربخش، بشارت و زارعی، ۲۰۱۰). هم‌چنین هم‌سو با آن دسته از نتایجی است که بیان می‌داشت بین هوش هیجانی و خلاقیت و هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای سازگارانه رابطه وجود دارد (زارعی، میراحمدی، سلطانیان، ۲۰۱۱)، حال آن‌که همان‌طور که نشان داده شد بین خلاقیت هنرمندان و سبک‌های مقابله‌ای مساله‌محور رابطه وجود دارد.

با توجه به نتایج فوق، ما می‌توانیم بینش و وسیع‌تری نسبت به هنرمندان به دست آوریم و این موضوعی است که در یک کشور هنر پرور، لازم به نظر می‌رسد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی متغیرهای واسطه‌ای بین اختلال روانی و خلاقیت هنری کشف شود که بتواند تبیین کند چرا با وجود سبک‌های مقابله‌ی سازگارانه‌تر هنوز هم اختلالات روانی در هنرمندان شیوع بیش‌تری دارد.

منابع

کیامهر، جواد. هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه‌ی پنج‌عاملی و بررسی ساختارعاملی آن (تحلیل تاییدی) در بین دانشجویان علوم انسانی دانشگاه‌های تهران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱
 ساعتچی، م. کامکاری، ک. عسگریان، م. (۱۳۹۱). آزمون‌های روانشناختی. تهران. نشر ویرایش

- Akiskal, H., & Akiskal, K. (1988). Reassessing the prevalence of bipolar disorders:
- Alvarez.n., mearna.j.(2014). PsychotherapyThe benefits of writing and performing in the spoken word poetry community. *The Arts in Psychotherapy* 41, 263–268.
- and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI): Professional manual. *Odessa, FL: Psychological Assessment Resources.*
- Behroozi.m., Aryan manesh.m., fadaiyan.m. behroozi.s. (2014). Investigation Of Relationship Among Creativity, Spiritual Intelligence, Perfectionism and Mental Health Of Bushehr Artists. *Social and Behavioral Sciences* 143,399 – 403.
- Burch, G. S. J., Pavelis, C., Hemsley, D. R., & Corr, P. J. (2006). Schizotypy and creativity in visual artists. *British Journal of Psychology*, 9, 177–190.
- Clinical significance and artistic creativity. *Psychiatry and Psychobiology*, 3(Suppl.), 29S–36S.
- Costa, P. T., Jr., & McCrae, R. R. (1992). Revised NEO Personality Inventory (Neo-PI-R)
- Csikszentmihalyi, M., & Getzels, J. W. (1973). The personality of young artists: An empirical and theoretical exploration. *British Journal of Psychology*, 64, 91–104.
- Götz, K. O., & Götz, K. (1979a). Personality characteristics of professional artists. *Perceptual and Motor Skills*, 49, 327–334.
- Hahn.h.m., choi.y.d., lee.ch.k.(2011). Effects of Social and Emotional Intelligence on the Creative Process and Individual Creativity. *UNESST 2011, CCIS 264, pp. 217–226.*

- Karimzade.a., Besharat.M.(2011). An investigation of the relationship between personality dimensions and Stress coping styles. *Social and Behavioral Sciences* 30. 797 – 802.
- Karlsson, J. L. (1970). Genetic association of giftedness and creativity with chizizophrenia. *Hereditas*, 66, 77–182.
- Lena.c.jenifer ., Lindeman.j. Danielle. (2014).Who is an artist? New data for an old question. *Poetics*, 43, 70-85.
- Lindauer.m.s.(2011). art,artist andarts audiences: there impelicationfor the psychology of creativity. *Elsevier Inc.*
- Morasco.j.b., Lovejoy.i.t., Lu.m .,Turk.c.d., Lewis.l.,Dobscha,k.s.(2013). The relationship between PTSD and chronic pain: Mediating role of coping strategies and depression., *PAIN_ 154* , 609–616.
- Murphy.c.(2009). The link between artistic creativity and psychopathology: Salvador Dalí. *Personality and Individual Differences* 46 (2009) 765–774
- Nettle.d.(2006).Schizotypy and mental health amongst poets visual artists, and mathematicians. *Journal of Research in Personality*, 40, 876–890
- Noorbakhsh.n.s., besharat.a.m.,zarej.j.(2011). Emotional intelligence and coping styles with stress. *Procedia Social and Behavioral Sciences* 5 (2010) 818–822.
- Rawlings.D., locarini.ann.(2008). Dimensional schizotypy, autism, and unusual word associations in artists and scientists. Department of Psychology, The University of Melbourne, VIC 3010, Australia Available online 22 June 2007.
- Salkovsky.m., romi.,sh.,lewis.r.(2015). Teachers' coping styles and factors inhibiting teachers' preferred classroom management practice, *Teaching and Teacher Education*, 48 ,56-65.
- Zarei.e.,mirahmady.b.,soltaniam.e. Mental health compared with non-artists, artist, and its relationship with NEOPI personality scale in city of Ahvaz.

